

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه قدر، ۲۰ ماه مبارک رمضان

معرفی اجمالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)

تَنْزِيلُ الْمَلَكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴)

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

سوره قدر درباره نزول قرآن در شبی با ارزش و عظمت صحبت می‌کند. شبی که ارزشش بالاتر از آن چیزی هست که بشود درک کرد، شبی که ارزشش از هزار ماه بیشتر است. در این شب ملائکه و روح بر امام حی نازل می‌شوند و تحولاتی ایجاد می‌شود و امر خدا جاری می‌شود. این شب از جنس سلام است و تا طلوع فجر این سلام و سلامت ادامه دارد.

سوره قدر هرچه انسان با آن ارتباط بیشتر برقرار می‌کند، می‌فهمد که چقدر با عظمت است و می‌فهمد چقدر نیاز به توفیق الهی و تامل دارد.

این سوره یکی در مورد عظمت قرآن صحبت می‌کند که آنقدر عظیم است که شب نزولش، ارزشش بیش از هزار ماه است.

از طرفی در مورد ارزشمندی زمان صحبت می‌کند. گاهی برخی از زمان‌ها می‌تواند تحولات بزرگی را ایجاد می‌کند. در سوره در مورد شب، مطلع فجر، ماه صحبت شده است. زمان در سوره موضوعیت دارد.

با سوره مبارکه قدر متوجه ارزشمندی قرآن و ارزش زمان و زمان‌های خاص و ارتباط آنها با قرآن می‌شویم.

ارائه سوره به بچه‌های دبستانی

از این سوره در مورد ارزشمند بودن قرآن و زمان را در یک سیر متناسب با اقتضا سنی شان یاد می‌دهیم: بچه‌های اول شاید خیلی ارزشمندی زمان را درک نکنند. در مورد خود ارزشمندی و قدر و منزلت با آنها صحبت می‌کنیم.

کم کم بحث زمان و قرآن و ارتباط آن با امام، شناخت زمان‌های خاص و برنامه‌ریزی متناسب با زمان‌ها تا خود ماجرای شب قدر را یاد می‌دهیم تا بچه‌ها به مرور قدرشناس موقعیت‌های مختلف و قرآن و زمان بشوند.

تدبر در سوره

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)

سوره با آن+نا شروع شده است. سوره‌هایی که با آننا شروع می‌شوند، مانند سوره کوثر و قدر، ویژگی خاصی دارند.

برخی جملات فعلیه با فعل مضارع هستند یک جریان را نشان می‌دهند.

برخی جملات فعلیه هستند که با فعل ماضی شروع می‌شوند. اینها از یک اتفاق زمان دار که ثبات و استقرار صحبت می‌کنند.

بعضی جملات با جملات اسمیه شروع می‌شوند. جملات اسمیه از حقایقی که زمان ندارند صحبت می‌کنند. زمان در آن تغییری ایجاد نمی‌کند، مساله ثابت است. جنبه قانون دارند. جملات اسمیه انواع مختلفی دارند:

گاهی اوقات این جملات تاکید به کار رفته، یکی از موارد تاکید این است که ابتدای جمله **إِنَّ** بیاید. جملات اسمیه یک مبتدا و یک خبر دارند. یک موضوع دارند که درباره آن صحبت می‌شود و یک مطالبی که در مورد آن موضوع گفته می‌شود.

جملات اسمیه با **أَنَّ** شروع می‌شوند که تاکید دارند، این جملات جنبه ثبات و قانون بودنشان بیشتر می‌شود.

عباراتی که با **إِنَّا** شروع می‌شوند، جملات اسمیه ای هستند که **أَنَّ** و **نا** دارند. **نا** ضمیر متکلم مع الغیر است. وقتی خداوند خودش را اینطور جمع معرفی می‌کند، مفسرین چیزهای مختلفی گفته‌اند. یکی از آنها این است که نشان عظمت خداوند است مانند پادشاهان که می‌خواهند عظمت خود را نشان بدهند می‌گویند ما. حتما عظمت خدا در آن موضوع موضوعیت دارد.

یک نکته دیگر این است که خداوند ضمن اینکه به چیزی نیاز ندارد ولی اراده کرده است که امور با وسائلی انجام شود مثل ملائکه که از جنس عقل هستند، شبیه قانون‌های دارای عقل و شعور هستند. وقتی خدا می‌گوید ما خواسته به نظام ربوبی و وسائلی اشاره کند. سوق دادن موجودات از نقص به کمال نظامی دارد، که ملائکه آن را اداره می‌کنند. به این سوره‌ها که با **إِنَّا** شروع می‌شود، می‌گویند سوره‌های وسائلی که به نظام ربوبی اشاره می‌کند.

إِنَّا، همانا ما با این عظمت و کبریایی و با این نظام ربوبی.

انزلناه فی لیلہ القدر: این خودش یک جمله فعلیه ماضی هست یعنی یک جریانی را

نشان می‌دهد که ثبوت هم دارد. این جمله فعلیه، خبری هست که در مورد نا در انا مطلبی را بیان می‌کند. جمله اصلی یک جمله اسمیه است. جمله اسمیه معنی اش این است که نازل کردیم آن را در شب قدر.

ضمیر ه در سوره قدر به چیزی بر نمی‌گردد. معمولاً ضمیر به چیزی که قبلاً در مورد آن صحبت شده بر می‌گردد ولی در این سوره قبلش چیزی نیست. این ضمیر به قرآن اشاره می‌کند. این خودش بحث مفصلی دارد. اینکه چرا برای قرآن از ضمیر استفاده شده است، اینکه در قرآن، قرآن با چه بیان‌هایی معرفی شده، یک جاهایی قرآن آمده، یک جاهایی کتاب یا فرقان بکار برده شده. اینجا که از ضمیر استفاده شده است، انگار همه آن شئون را در خود دارد. فقط با یک عنوان به آن تعیین نداده که مثلاً فقط به کتابیت یا فرقانیت اشاره کند.

انزلنا که فعل ماضی است، از مصدر انزال است. یک انزال در باب افعال داریم و یک تنزیل در باب تفعیل مانند اعلام و تعلیم. در اعلام بیشتر تمرکز روی کسی هست که دارد اعلام می‌کند، و یک دفعه اتفاق می‌افتد. می‌گوید من چیزی را اعلام کردم ولی تعلیم، فرآیند است و تدریجی و گام به گام اتفاق می‌افتد. در بسیاری از موارد این موضوع در باب افعال و تفعیل صادق است. انزال، نازل می‌شود مثلاً باران می‌آید پایین ولی تنزیل یعنی همین طور دارد نازل می‌شود. برای همین برخی گفته‌اند، انزال به نزول دفعی قرآن اشاره دارد و تنزیل، به نزول تدریجی اشاره می‌کند.

قرآن در شب نازل شده است. لیل مقابل نهار است. لیل وضعیت آرامش گرفتن و نهفتگی است که انسان باید از آن بستر برای کسب آمادگی در روز استفاده کند. روز بستر تلاش و تکاپو و وضعیت آشکاری و بروز است.

شب قدر دو بار دیگر هم در آیات بعدی تکرار شده است. قدر هم معنی ارزش دارد و هم معنی اندازه دارد. قدرت هم از همین ریشه است. شب قدر، شب اندازه‌هاست، شب تعیین تقدیرهاست، شب تعیین ارزشهاست. شبی که خودش هم ارزشمند است و ارزش‌ها را تعیین می‌کند. یک شب است. یک بستر نهفتگی است که ارزش‌ها تعیین می‌شود و مقادیر رقم می‌خورد.

یک نکته‌ای می‌خواهم بگویم که تعیین ارزش در بستر نهفتگی مانند چه می‌ماند.

دنیا نسبت به آخرت مثل نسبت شب به روز است. دنیا نسبت به آخرت شب است چون در دنیا وضعیت نهفته است، خوب و بد افراد مشخص نیست. سرنوشت‌ها معلوم نیست ولی اینها در آخرت معلوم است. حقایق در آخرت آشکارند و وقوع پیدا می‌کنند. اینکه انسان چه قدر و منزلت و تقدیر و سرنوشتی دارد در همین شب دنیا رقم می‌خورد. خدا اراده کرده که خیلی اتفاقات در شب رقم بخورد.

مثل جنینی که در رحم مادر است، آن فضا نسبت به دنیا مثل شب است. همه چیز در رحم رقم می‌خورد تا به آشکاری در دنیا برسد. *يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ*؛ خداست که به آنچه در رحم‌هاست علم دارد.

در دنیا خیلی از موقعیت‌ها، هست که خداوند اراده کرده ارزش‌ها، تقدیرها، تعیین جایگاه‌ها در یک فضای نهفته‌ای رقم بخورد و بعدا تعیین شود، شب قدر هم همچین خاصیتی دارد.

شب قدر است، فضای نهفته تعیین ارزش‌هاست.

حکایتی هست که کاروانی از سرزمینی در تاریکی مطلق که چیزی دیده نمی‌شد می‌خواست عبور کند، مسئول کاروان به کاروانیان گفت: هنگام عبور از روی زمین تا می‌توانید با خود سنگ جمع کنید. عده‌ای گفتند عقل مسئولمان کم شده است، خودمان را هم به زور حمل می‌کنیم حالا سنگ هم جمع کنیم، سنگین تر شویم، و هیچ سنگی برنداشتند. عده‌ای دیگر هم گفتند کمی بر می‌داریم تا حرف مسئول را گوش کرده باشیم. عده‌ای هم هرچه می‌توانست با خود سنگ جمع کردند. درروشنایی روز بعد متوجه شدند تمام آن شن‌ها و سنگریزه‌ها، الماس و یاقوت و زُمرُّد بوده‌اند. هر کس چیزی جمع نکرده بود حسرت می‌خورد که چرا از آن جواهرات برنداشته و آن‌هایی هم که مشت‌های آن جواهرات برداشته بودند حسرت می‌خوردند که چرا همه خورجین‌شان را پر نکردند.

کسانیکه خودشان را کشته بودند و تا حداکثر توانشان، سنگ برداشته بودند فقط حسرت نمی‌خوردند. اینها کسانی بودند که از حرف مسئول کاروان گوش داده بودند.

خدا می‌گوید تقوا پیشه کنید هر قدر که می‌توانید. این شب قدر هست. قدر در این شب رقم می‌خورد.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)

ادراک از ریشه دری یعنی فهمیدن. ما ادری یعنی نمی‌دانم. ادراک از مصدر ادراء یعنی فهماندن. ادراک به تو فهماند.

چه چیز به تو فهماند که شب قدر چیست؟ هر جا که ما ادراک می‌آید خدا دارد توجه ما را به مبدا درک یک موضوع جلب می‌کند. انگار می‌گوید شب قدر چیزی نیست که خودتان می‌توانستید عظمت آن را بفهمید. حالا هم همین قدر که خدا فضایش را باز کند، می‌توانید بفهمید.

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)

شب قدر بهتر است از هزار ماه. نمی‌فرماید شب قدر معادل هزار ماه است. بلکه می‌فرماید بهتر از هزار ماه است. هزار ماه می‌شود بیش از ۸۰ سال انتخاب کند. شب قدر به یک عمر انسان می‌آرد.

شهر به معنی ماه معنا شده است و با وضعیت ماه (قمر) مشخص می‌شود یعنی از وقتی که ماه از نهفتگی بیرون می‌آید و هلال ماه دیده می‌شود شروع می‌شود و تا وقتی که در محاق قرار گیرد و به وضعیت نهفتگی اش باز گردد، ۲۹-۳۰ روز طول می‌کشد. جالب است که شهر یعنی ماه با شب در ارتباط است و بر اساس تعداد شب‌ها و وضعیت ماه در شب‌ها، شهر رقم می‌خورد. ۳۰ شب بگذرد می‌شود یک ماه و هزار ماه ۳۰۰۰۰ شب هست. شب قدر بهتر از ۳۰۰۰۰ شبی هست که شب قدر نباشد.

تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴)

فهم قرآن

تنزل از همان ریشه انزال و تنزیل است. در واقع تَنْزَلُ است که ت آن حذف شده، مضارع باب تَنْزَلُ است یعنی نازل می‌شوند. ماضی نیامده، اینطور نیست که تمام شده رفته. مضارع آمده یعنی این استمرار دارد، این نازل شدن، جاری هست، فقط در گذشته نبوده، اینطور نیست که ملائکه قرآن را نازل کرده باشند و تمام شده باشد. این ملائکه و روح نازل می‌شوند.

ملائکه قوانین جاری عالم و قوانین باشعور هستند. ملائک که نازل می‌شوند یعنی یک اتفاقی می‌افتد. و روح هم بحث روح الامین و فرشته وحی مطرح است، هم وقتی روح نازل می‌شود ارتقای درجه بوجود می‌آید. به واسطه نزول روح، ظرفیت سازی می‌شود. گویا ملائک حقایق را می‌آورند، روح هم ظرفیت دریافت را بالا می‌برد. و همه این‌ها به اذن رب اتفاق می‌افتد. همان کسی که رب العالمین است. همان کسی که همه عالم را از نقص به سمت کمال می‌برد.

من کل امر، از هر امری این نزول اتفاق می‌افتد

عالم مراتبی دارد:

عالم ناسوت، عالم خلق است که خلائق با ویژگی‌هایشان قرار دارند. زمان و مکان دارد، تغییر و تحول و فساد دارد. عالم ملکوت که عالم مثال است. عالم خیال است. مثلاً می‌خواهیم شبیه این عالم است. برزخ هست. بخشی از محدودیت‌های دنیایی را دارد. هرچیزی تعیینی دارد ولی یکسری از محدودیت‌ها را دارد.

عالم جبروت، عالم امر، عالم عقل یا عالم آخرت است.

عالم لاهوت که عالم اسما الله است.

در عالم امر وضعیت کن فیکون است، إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ^۲

خدا ابراز باش می کند و آن هم می باشد. در عالم امر، تحولات تدریج ندارند، همه چیز حاضر است.

آنچه در زندگی ما اتفاق می افتد، تصویری از حقایق عالم امر است. در دنیا تدریج پیدا می کند. در عالم امر، که زمان ندارد.

من کل امر، یعنی حقیقت مربوط به هر چیزی در شب قدر توسط ملائکه و روح به اذن خدا نازل می شود.

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ (۵)

سلام هی جمله اسمیه است. هی که اشاره می کند به شب قدر، مبتدای موخر است. هی سلام، آن سلام است.

سلام یعنی سلم و سلامت و امنیت. مقدم شدن سلام می تواند مفهوم حصر داشته باشد. حقیقت شب قدر چیزی جز سلام نیست. همه اش سلام است.

حتی مطلع الفجر، همه شب قدر سلام است. یکپارچه سلام است تا وقتی که شب تمام می شود و اذان صبح بگویند.

وقتی ملائکه نازل می شوند به یک جایی باید نازل شوند. سوره قدر غیر مستقیم به حقیقت امام اشاره می کند.

کسی است که ظرفیت بشریت برای دریافت حقیقت قرآنی هست. حقیقت قرآن اول بر پیامبر اکرم (ص) به این

شکل کامل نازل شده بعد از آن همیشه ملائکه به دنیا نازل می شوند. باید جایی باشد که به آنجا نازل شوند،

همیشه امام حیّی باید باشد که شب قدر ملائکه، حقایق به او نازل شوند. امامی هست که آمادگی دارد تا ملائکه و

روح به اذن پروردگار در شب قدر من کل امر نازل می شوند را دریافت بکند و چون این ظرفیت وجود دارد ملائکه

نازل می شوند و اوست که دریافت می کند و از فیض این نازل شدن او بقیه هم بهره مند می شوند.

صلوات که می‌فرستیم یعنی وقتی با پیامبر و آل پیامبر اتصال برقرار می‌کنیم. خدا

می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا**، خدا و ملائکه هم به پیامبر صلوات می‌فرستند و با پیامبر در اتصال هستند، وقتی شما هم به وسیله صلوات پیامبر و آلشان اتصال برقرار می‌کنید، به واسطه ایشان با حقایق بالا اتصال برقرار می‌کنید. برای همین است که وقتی صلوات می‌فرستید انگار رحمت نازل می‌شود. به محل‌های دریافت رحمت وصل می‌شوید و می‌توانید مشکل یک جامعه و یک جریان را حل کنید که خیلی با ارزش است.

سوالات

منظور از اینکه "شب قدر می‌توان ره صدساله را یک شبه رفت" چیست؟

برای اینکه این موضوع را بتوانیم درک کنیم باید به این توجه کنیم که جایگاه ما در دنیا چی هست؟ انسان در دنیا غرق می‌شود و حواسش به دنیا پرت می‌شود. خداوند از اینکه انسان را به دنیا آورده یک هدفی را دنبال می‌کرده است. لازم بوده که انسان در موقعیت‌های مختلف به شناخت تفصیلی تری از خدا دست پیدا کند. متوجه فقر و میزان نیازمندی خودش بشود. هرچقدر متوجه ظرف خالی خودش بشود، با خدا آشنا تر می‌شود و به خدا نزدیکتر می‌شود. ملائکه که به خدا ابراز می‌کنند که این انسان در زمین خونریزی خواهد کرد، انسان با این صفات در دنیا محدودیت، انسان‌ها باید به واسطه رشد خودشان، یک امت واحده توحیدی تشکیل دهند یعنی آنقدر رشد کنند که تراحم نداشته باشند و حکومت امام زمان (عج) را تشکیل دهند. ماموریت انسان در دنیا این است. این را اگر انسان بداند، مطالب را بهتر می‌فهمد. اینکه انسان ره صد ساله را یک شبه می‌رود یعنی اینکه یک بستری فراهم می‌شود که در یک شب می‌تواند به اندازه ۸۰ سال برایش قرب اتفاق بیفتد، به خدا شناخت پیدا کند، تحول

برایش اتفاق بیفتد. نزدیک شدن به شکل گیری امت واحده برایش اتفاق بیفتد. می توانیم در شب قدر از خدا بخواهیم که خدا شب قدر را به ما بفهمد.

✚ ما در ما ادراک را ما نافیہ نمی گیریم؟

به نظر می آید ما استفهام است. برای اینکه اگر ما نافیہ بیاید یعنی به تو نفهماند؟ نمی دانم. شاید بعضی ها گرفته باشند. هر جا در قرآن ما ادراک می آید، آن را توضیح می دهد که آن چیست. پس برای چی بگویند به تو نفهماند. البته نمی دانم شاید مفسری این را گفته باشد، من فهم خودم را می گویم.

✚ در آداب الصلاة امام خمینی ره آمده حقیقت لیلۃ القدر، حضرت زهرا سلام الله علیها است. می شود توضیحی بفرمایید.

این هم از آن موضوعاتی هست که بنده درک عمیقی ازش ندارم ولی همانطور که گفتم حقیقت لیلۃ القدر امامی هست که ظرفیت دریافت حقیقت ایجاد کرده است. به برکت وجود او هست که حقایق نازل می شود. حقیقت وجود همه ائمه، صدیقه طاهره است. علت اینکه در مورد اینها راه دستم نیست توضیح دهم این است که اینها حرف است. فهم اینها با حرف فرق دارد. یک رویکردی که باید اصلاح کنیم این است که بدانیم حرف یک چیز با فهم آن فرق دارد. ما می خواهیم فهم قرآن را منتقل کنیم. اول باید این را در مورد خودمان یاد بگیریم. بعضی وقتها در مورد خیلی چیزها صحبت می کنیم و جدل می کنیم که فقط حرف است، عمق ندارد. به نظرم آدم باید از چیزهایی صحبت کند که می فهمد و بدیهی بداند که یک چیزهایی را نمی فهمد. بپذیریم که فهم ما ناقص است و گاهی بزرگی حرفی می زند که من نمی فهمم ولی چون بزرگی فرموده می پذیرم و بدانیم که رشد که بکنیم فهم مان هم رشد می کند.

یکی از آرزوهای بنده حقیر این است که درک عمیق تری از حضرت زهرا سلام الله پیدا کنم و قرب بیشتری به ساحت مادرانه شان بکنم. خدا به ما در این شبها این توفیق را بدهد.

✚ چطور می‌شود در شب قدر تقدیر میلیونها نفر با هم رقم بخورد؟

چطور در روز قیامت به حساب میلیاردها نفر رسیدگی می‌شود، همانطور رقم می‌خورد. دو جنبه دارد از نظر خدا که فرقی ندارد، ما خَلَقْنَاكُمْ وَاَنْزَلْنَاكُمْ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، آن شبی که آن در آن نازل می‌شود، شب قدر امام است و کسانی که به امامشان نزدیکتر باشند هم آن شب قدر را درک می‌کنند ولی هرکسی فکر می‌کنم می‌تواند برای خودش شب قدری داشته باشد یعنی در یک فضایی که تاریک هست، تاریک منظور بستری که در نهفتگی هست و خیلی چیزها را نمی‌داند، در یک مدت کوتاهی یک تحولی برایش ایجاد می‌شود. از هزار ما آن شب برای ما بهتر است.

بهتر این است که شب قدر هر فرد با شب قدر امام یکی باشد. خواسته‌های امام که فردی نیست. امام، پیشرو هست. مانند امام جماعت وقتی نماز می‌خواند، نماز همه است. امام سجاد (ع) در رساله حقوق می‌فرمایند: حق امام جماعت آن است که بدانی او خود را سپر تو کرده و نمازش را سپر نماز تو ساخته است، بنابراین باید، برای این کار سپاسگزار او باشی.^۴ وضع امام این است، جلو است، مسئولیت ما را به عهده گرفته، ما گناه کنیم برایمان استغفار می‌کند. شب قدر امام، چون شب قدر امام است، برای همه دعا می‌کند، تقدیرات همه در شب قدر امام رقم می‌خورد. ما هم همراه با امام می‌شویم. ما می‌دانیم که تقدیرات ما خدمت امام می‌رسد و ما هم این شب را

^۴ سوره لقمان، آیه ۲۸

^۵ و حق امام جماعت آن است که بدانی او واسطه ای است میان تو و خدا و نماینده تو نزد خداوند است و در این مقام از طرف تو سخن می‌گوید و تو از جانب او سخن نمی‌گویی و او برای تو دعا می‌کند و تو برای او دعا نمی‌کنی، او برای تو از خدا چیزهایی می‌خواهد و تو برای او چیزی نمی‌خواهی و او از طرف تو ایستادن در پیشگاه خدا و سؤال از او را به عهده گرفته و تو چیزی از جانب او به عهده نگرفته ای و اگر عیبی در کار او باشد، متوجه اوست نه تو و اگر گناهی کند، تو در گناه او شریک نیستی و او را بر تو برتری نیست. او خود را سپر تو کرده و نمازش را سپر نماز تو ساخته است، بنابراین باید، برای این کار سپاسگزار او باشی و قوه و قدرتی جز از سوی خدا نیست.

احیا می‌گیریم ولی شب قدر می‌تواند مصادیق دیگری هم داشته باشد. شب قدرهای ما هم می‌تواند در سوره به آن اشاره شده باشد.

✚ چطور بیشترین وصل را به امام داشته باشیم؟

برای هم دعا کنیم. در دسترس ترین چیزی که ما از امامان داریم، قرآن است. قرآن نسخه مکتوب امام است. هر قدر ارتباط عمیق تری به قرآن پیدا کنیم، ارتباطمان با امام هم عمیق تر می‌شود. هر قدر قرآن را بفهمد، امام را می‌فهمد. اگر کسی قرآن را نفهمد حتی اگر با امام زمان (عج) هم روبه رو شود و هم صحبت شود، نمی‌فهمد امام از او چه می‌خواهد و چه می‌گوید همانطور که در زمان ائمه اطهار، کسانی بودند که با آنها نشست و برخاست داشتند ولی نمی‌فهمیدند ایشان چه می‌گویند. درک و فهم قرآن می‌تواند انسان را به امام نزدیک کند. زبان امام را می‌فهمد و می‌تواند با امام ارتباط بگیرد.

اهداف تربیتی سوره قدر

سوره قدر سوره ای برای درک ارزش زمان و قرآن

پایه اول

خوب است بچه‌های کلاس اول از این سوره، مفهوم قدر و ارزش داشتن را متوجه بشوند. البته چون سوره قدر، سوره درک ارزش قرآن و زمان هست، ما می‌خواهیم ارزش قرآن و زمان را متوجه بشوند. فهم ارزش قرآن و زمان برای بچه‌های کلاس اول کمی زود است اما چیزی که بچه‌های این پایه از ارزشمندی متوجه می‌شوند، ارزش افراد هست. به همین علت برای آموزش سوره قدر و درک ارزشمندی تمرکز می‌کنیم. روی اینکه برخی افراد ارزشمند هستند مثل پدر و مادر، معلم یا انسان‌های بزرگ، روحانی، استاد را متوجه شوند.

البته به ارزشمندی زمانها، مکانها و موقعیتها و قرآن هم اشاره می‌کنیم ولی انتظار نداریم که کاملاً درک کنند. اینکه به بچه‌ها بگوییم قرآن ارزشمند است و به خانه بروند بگویند قرآن ارزشمند است، خوب است ولی فهم عمیقی نیست. بیشتر فعالیتها و بازیها باید روی همان ارزشمندی افراد برود.

پایه دوم

اگر اولین سالی است که بچه‌ها سوره قدر را آموزش می‌بینند لازم است ابتدا مفاهیم پایه اول را به آنها بیاموزیم. در پایه دوم بچه‌ها را متوجه درک تمایز شب و روز می‌کنیم، اینکه فرق شب و روز را بفهمند و اینکه بعضی کارها به روز اختصاص دارند و بعضی به شب. مثلاً به این توجه کنند که کارهایی که شب انجام می‌دهیم با کارهایی که در روز انجام می‌دهیم فرق می‌کند.

و اینکه به واسطه درک ارزشمندی و اهمیت قرآن سعی کنیم که به برکت سوره مبارکه قدر، بچه‌ها قرآن خواندن و ارتباط برقرار کردن با قرآن را بزرگ بدانند، در حد سنشان. بدانند قرآن هم مانند یک فرد بزرگ ارزشمند است و همانطور که روی تمایز کارهای شب و روز کار می‌کنیم، خوب است که قرآن خواندن شبانه و قرآن خواندن روزانه برایشان تمایز داشته باشد. قرآن ارزشمند را اگر در شب بخوانند، در دسته کارهای شبانه قرار می‌گیرد و اگر در روز خوانده شود، در دسته کارهای روزانه قرار می‌گیرد. به واسطه فهم تمایز شب و روز، تمایز کارهای شب و روز و بزرگ داشتن قرآن خواندن در شب و روز، می‌توانیم سوره مبارکه قدر را به بچه‌ها آموزش دهیم.

پایه سوم

اگر این اولین سالی است که بچه‌ها سوره قدر را آموزش می‌بینند، ابتدا مفاهیم پایه اول و دوم را به آنها می‌آموزیم. بطور مشخص در پایه سوم، خوب است که بچه‌ها به واسطه سوره مبارکه قدر ارتباط تنگاتنگ قرآن و امام را یاد بگیرند. بفهمند که قرآن و امام دو روی یک سکه هستند.

یعنی همان‌طور که بعضی از انسان‌ها ارزشمندتر هستند بعضی از افراد مثل امام از همه ارزشمندتر است و قرآن هم که یک حقیقت ارزشمندی است این آن روی سکه امام است. بدانند که بواسطه ارتباط برقرار کردن با قرآن انگار با امام ارتباط برقرار کرده‌اند. بدانند این قرآنی که نازل می‌شود حقیقتش امامی است که این قرآن را دریافت می‌کند. البته اصلاً نباید حقایق برای آن‌ها پیچیده باشد و باید در حد سنشان مطرح شود. مفهوم ارزشمندی امام را که می‌فهمند، بفهمند قرآن هم ارزشمند است و با قرآن می‌توان با امام ارتباط برقرار کرد و این دو روی یک سکه هستند.

پایه چهارم

برای آموزش سوره قدر در پایه چهارم باید مفاهیم پایه‌های قبل را بدانند. در پایه چهارم توجه آنها را باید به زمان‌های خاص جلب کنیم. حالا که بچه‌ها می‌فهمند که شب با روز فرق دارد باید به زمان‌های خاص توجهشان جلب بشود، بدانند بعضی از زمان‌ها هستند که جهت ایجاد تحول در زندگی خیلی مهم هستند. چون قدرت انتزاعشان بالا رفته این را می‌توانند بفهمند. همچنین بدانند که همان‌طور که بعضی از زمان‌های خاص در ایجاد تحول مؤثر است، قرآن هم در ایجاد تحول مؤثر است. اگر بتوانیم به آنها منتقل کنیم که زمان‌های خاص و قرآن با هم دیگر می‌توانند خیلی تحول ایجاد کنند خیلی جالب می‌شود. زمان‌های خاص در ساعات شبانه‌روز مثل بین طلوعین و در ایام هفته مثل جمعه و در طول سال مثل ماه مبارک رمضان و.... این زمان‌های خاص ممکن است دسته‌بندی‌های دیگری هم داشته باشد. پس اهمیت زمان‌های خاص و قرآن و ایجاد تحول در زندگی را به بچه‌های پایه چهارم نشان می‌دهیم.

پایه پنجم

برای آموزش سوره قدر در پایه پنجم باید ابتدا مفاهیم پایه‌های قبل را بیاموزند. پس

از بیان مفاهیم پایه‌های قبل، اگر ظرفیتش وجود داشت خوب است که ارزش زمان را به بچه‌ها یاد بدهیم. حتی بدون آموزش آموزه‌های قبلی هم می‌توان این را به بچه‌ها یاد داد ولی اگر بخواهیم به مفاهیم سوره قدر نزدیک شویم، مفاهیم پایه‌های قبلی به این امر کمک کننده است. بچه‌های پایه پنجم به برکت سوره قدر خوب است بفهمند که ارزش زمان چیست و تصور درستی نسبت به زمان

پیدا کنند، برای این که بتوانند برنامه‌ریزی درستی داشته باشد. مثلا وقتی می‌گوییم که کاری دو ساعت طول می‌کشد، چه تصویری از آن دارند؟ کاری که دو ساعت طول می‌کشد با کاری که ده ساعت طول می‌کشد چه فرقی دارد. یک شبانه روز ۲۴ ساعت است، کاری که ده ساعت طول می‌کشد، تقریباً نصف آن را پر می‌کند. هفته ۷ روز است و یک ماه ۳۰ روز است. اینها را بچه‌ها از نظر حفظی بلد هستند. تصویر درست و روشنی داشته باشند. داشتن تصویر روشنی از ساعت و روز و هفته و ماه و سال، سبب می‌شود ارزش زمان را بیشتر درک کنند و قدرت برنامه‌ریزی شان بالاتر می‌رود. در این صورت آموزش سوره قدر انجام شده است.

ضمناً آموزش اهمیت زمان برای بالا بردن قدرت برنامه‌ریزی، خوب است که به قرآن را به عنوان یک موضوع مهم در برنامه‌هایمان توجه کنیم. این چیزی هست که از پایه دوم برایشان مطرح شده بود. در پایه دوم باید به قرآن خواندن شب و روز توجه می‌کردند، در پایه سوم به ارتباط قرآن با امام توجه می‌کردند، در پایه چهارم هم نقش قرآن و زمان‌های خاص را می‌فهمیدند، حالا در پایه پنجم خوب است که به نقش قرآن در برنامه‌ریزی‌های زندگی شان توجه نمایند. به این ترتیب سوره مبارکه قدر را یاد گرفته اند.

پایه ششم

برای آموزش سوره قدر به پایه ششم، شب قدر را بهشان معرفی می‌کنیم.

برای اینکه شب قدر بهتر درک شود و فقط در حد یک ظاهر و پوسته باقی نماند، لازم است سیر مفاهیم پایه‌های قبل را به آنها آموزش دهیم. با مفهوم قدر و منزلت آشنا بشوند، بدانند بعضی افراد ارزش بیشتری دارند، بعضی

مکان‌ها، زمان‌ها، موقعیت‌ها ارزش بیشتری دارند، تمایز شب و روز را بدانند، شان و

منزلت امام و قرآن را بدانند، ارتباط امام و قرآن را بفهمند، مفهوم زمان‌های خاص و تاثیری که در تحولات زندگی انسان دارند را بدانند، همینطور ارزش زمان را باید بدانند، اینکه روز و ساعت و هفته و ماه و سال چه تفاوتی دارند. وقتی این مفاهیم را بدانند شب قدر را بهتر درک می‌کنند، اینکه شب قدر شب نزول قرآن هست، اینکه قرآن به امام نازل می‌شود، اینکه ارزش شب قدر از هزار ماه بیشتر هست... همینطوری به کسی بگویی ارزش شب قدر بیشتر از هزار ماه است، کسی را تکان نمی‌دهد ولی وقتی درکی از ارزش ساعت و روز و هفته و ماه داشته باشند وقتی به آنها می‌گویی بهتر از هزار ماه، مفهوم به آنها منتقل می‌شود.

دانش‌آموزان پایه ششمی را با احکام شب قدر و برنامه‌هایی که در شب قدر داریم مانند قرآن سر گرفتن و دعا کردن و اینکه تقدیرات در شب قدر رقم می‌خورد و مباحث شب قدر آشنا می‌کنیم.

طراحی فعالیت

در پایه اول که بحث ارزشمندی افراد است. داستان، بازی‌های مختلفی می‌توان طراحی کرد مثلاً شان و رتبه پدر و مادر و معلم و یا یک عالم و بزرگی را می‌توان به کلاس دعوت کرد. باید دقت کنیم که فردی را به عنوان فرد ارزشمند معرفی نکنیم که خیلی ارزشمند هم نیست.

در پایه دوم فعالیت‌هایی طراحی می‌کنیم که ارزش زمان را بفهمند و بتوانیم تمایز شب و روز را به آنها نشان دهیم. اول خودمان باید تصور درستی از اینها داشته باشیم و قرآن اینها را چگونه به ما معرفی کرده است. اگر درست این تمایز را بیان کنیم برای بچه‌ها خیلی جالب خواهد بود. شب را نباید فقط زمان خواب معرفی کرد. شب از زمان مغرب تا صبح است. این زمان را باید به آنها گفت و اینکه چه کارهایی می‌توان در آن انجام داد. بودن در کنار خانواده، جز کارهای شبانه است. نماز مغرب و عشا می‌خوانیم، بزرگترها نماز شب می‌خوانند. فرصت خلوت، فرصت سکوت است. موقعیتی است که بهتر می‌توان شنید. در روز بهتر می‌توان دید. شب‌ها معمولاً چراغ روشن

است و روزها خانه‌ها تاریک است، خوب است که توجهشان را به تاریک بودن شب

جلب کنیم. تاریکی شب را ببینند و با روشنی روز مقایسه کنند. شب اگر ساکت باشند، چیزهایی می‌شنوند. شب زمان فکر کردن است، زمان برنامه ریزی است. در روز بیشتر کارهای عملی می‌کنیم. استراحت کردن در شب فقط به معنی خوابیدن نیست. همانطور که شب کیفیت را برای فردا آماده می‌کند، باید برای فردایش هم برنامه ریزی کند. روز محل اقدام و عمل است و شب برنامه ریزی.

قرآن خواندن روزانه باید بفهمند که مثل قرآن خواندن‌های فهم قرآن است که می‌خندند و شاد هستند و قرآن خواندن در شب، آرام است مثلاً سر سجاده نشسته و در یک خلوت و آرامش قرآن می‌خواند. جنبه عاطفی آن بیشتر است.

در پایه سوم هم امام را می‌توان به آنها معرفی کرد. در قرآن امام را ببینند. وقتی شما قرآن می‌خوانی انگار داری با امام ارتباط برقرار می‌کنی. انگار امام با تو حرف می‌زند. می‌توان داستان‌هایی درباره اهل بیت و پیامبران و ارتباطی که با بچه‌ها داشتند تعریف کرد. اینکه آنها چقدر بچه‌ها را دوست دارند. امام زمان را می‌شود معرفی کرد. اگر فکر می‌کنیم درکی از غیبی ندارند، در همین حد می‌گوییم که امام به ما توجه دارند، حواسشان به ما هست. همیشه از کارهایی که ما انجام می‌دهیم خبر دارد. ممکن است خودش به ما سر بزند و ما او را نشناسیم. امام در زندگی ما حضور دارد و ما برایش مهم هستیم.

در پایه چهارم زمان‌های خاص را مطرح می‌کنیم. زمان‌هایی که در روز، در ماه، در سال هستند. ماه قمری را به آنها معرفی کنیم، توجهشان را به اول ماه جلب کنیم. نسبت اول ماه با ماه در آسمان بدانند. الان ایام البیض است که ماه کامل است. زمان‌های خاص سال مثل ماه رمضان، ماه ذی الحجه و غیره، زمان‌های خاص هفته مانند شب و روز جمعه که با نماز جمعه همراه است. نماز جمعه می‌تواند خیلی در زندگی تحول ایجاد کند. یادمان باشد که قرآن در زمان‌های خاص در نظر بگیریم. بچه‌ها اگر دنبال تحولی هستند، به آنها بگوییم در زمان‌های خاص می‌توان

برای آن دعا کرد. خوب است که بچه‌ها بین الطلوعین در این سن داشته باشند. برنامه

ریزی را در بین الطلوعین انجام دهند و متوجه اهمیت بین الطلوعین کرد. در این زمان کوه بروند.

در پایه پنجم، روی خود زمان کار می‌کنیم مثلاً انواع بازی‌هایی که مقدار انجام یک کار را درک کنند.

گاهی بچه‌ها تصور درستی از ده ساعت ندارند. یک کار دو روزه یعنی چی؟ کار ده ساعته را در چند ساعت می‌توان

انجام داد؟ نسبت زمان‌ها را با هم با فعالیت‌های مختلف برایشان عینی و قابل درک کنیم. برنامه‌ریزی شان روی

هوا نباشد. وقتی می‌گویند من این کار را در یک هفته انجام می‌دهم، تصور درستی از آن داشته باشد. در همه

پایه‌ها در فعالیت‌ها، قرآن را یادمان هست. اهمیت و نقش قرآن را یادمان هست.

در پایه ششم بحث شب قدر و اهمیت آن و کارهایی که در شب قدر انجام می‌دهیم مطرح می‌کنیم.

سوالات

شب قدر در پایه‌های پایین‌تر بیان نکنیم؟

ممکن است در پایه‌های پایین‌تر بتوان به آن اشاره کرد ولی درک درستی نخواهند داشت. بچه‌ها می‌دانند شب

قدر چی هست و ممکن است آنرا به خاطر شرایط خاصش دوست داشته باشند ولی نه زمانش، نه امامش چیزی

آن برایشان قابل درک نیست.

در پایه‌های دیگر راجع به شب قدر بحث خاصی نمی‌کنیم. اگر در خانواده‌هایشان هم شب قدر را ندیدند و نشنیدند

اصرار خاصی در مورد صحبت مستقیم در مورد شب قدر نمی‌کنیم. در پایه‌های سوم که بحث امام و قرآن مطرح

می‌شود، می‌توانیم به شب قدر اشاره کنیم که شبی هست که کارهای ما را به امام نشان می‌دهند. همه برنامه یک

سال ما را به امام نشان می‌دهند. امام بیشتر از همه قرآن می‌خوانند و ...

در پایه چهارم هم از شب قدر به عنوان یک زمان خاص می‌توانیم به شب قدر اشاره کنیم. در همین حد.

در پایه پنجم هم برای برنامه‌ریزی می‌توانیم اشاره کنیم که در شب قدر برنامه یک سالتان را می‌توانید بریزید.

به این شکل‌ها می‌توان از سوم به بعد در مورد شب قدر صحبت کرد اما در مورد خود شب قدر در پایه ششم تا حدی می‌توانیم صحبت کنیم هرچند که خود ما هم از شب قدر درک کاملی نداریم.

✚ چطور می‌توان شب را برای بچه‌هایی که از شب می‌ترسند، دوست داشتنی کرد؟ آیا اصلاً موضوع سوره این هست؟

بله. خوب است که ما بتوانیم حس خوبی نسبت به شب در بچه‌ها ایجاد کنیم. در صورتی می‌توانیم این کار را بکنیم که شناخت درستی از شب و برنامه‌های شبانه متناسب داشته باشیم. اینکه شب صرف شب نشینی به معنی مهمانی و گشت و گذار شود، معرفی درستی از شب نیست. بهتر است شب به عنوان یک فضای زیبای رویایی معرفی کنیم. تصور ما در این القا خیلی موثر است. شب را برای آنها زیبا معرفی کنیم، موقعیتی معرفی بکنیم که خوشحالی‌های فردایشان در آن رقم می‌خورد. شب قبل از خواب می‌توانیم با هم دعا کنیم، درمورد اتفاقات خوبی که فردا می‌تواند بیافتد صحبت کنیم. باید سعی کنیم کارهای خوب را سمت چیزهای متعین مانند اتفاقات خاص یا جایزه نبریم، همین که با مامان و بابا و دوست‌های خوب دارد، همینکه دستش کار می‌کند، اتفاق خوب است. شادی‌ها باید به سمت دیدن دارایی‌هایی که دارد و به آنها توجه نمی‌کند، برود. داستان‌هایی بیان شود که برخی از افراد نعمتی را نداشتند و آن را بدست می‌آورند. شب بستری است برای این جور حال‌های خوب.

من خودم به عنوان یک معلم و یک پدر، می‌بینم برای اینکه حس خوب به شب بخواهم در بچه ایجاد کنم، به حس خود من برمی‌گردد.

✚ بگوییم هر کس به خدا بیشتر چشم می‌گوید ارزشمند تر است یا پدر و مادر؟

کسی که به خدا بیشتر چشم می‌گوید. پدر و مادر بحث ویژه‌ای دارد. پدر و مادری هم

که به خدا چشم نمی‌گویند، برای فرزند دارای احترام هستند. توصیه الهی است. خداوند انسان را به والدینش سفارش کرده. نه فقط والدین خوب و یا به خاطر اینکه والدین فرزند را به خدا نزدیک می‌کنند. خدا انسان را به والدینش سفارش کرده: **وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَىٰ الْمَصِيرِ**. همین که مادرش او را باردار بوده و ضعف روی ضعفش بیشتر شده، از وجودش موقعیتی ایجاد کرده که او بوجود آمده. او واسطه وجود من است. دوسال طول کشیده تا بتواند ما را از خودش جدا کند، ما از او ارتزاق کردیم. پدر هم به واسطه اینکه واسطه خلقت انسان هست ارزشمند هستند. اینها را نباید فراموش کنیم. ولی مسلم است کسی که به خدا چشم می‌گوید او ارزشمندتر است.

وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَأَتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَىٰ...

یعنی اگر والدین اصرار کردند که تو مشرک شوی، با آنها ارتباط خوبی داشته باش، مصاحبت معروفی داشته باش. احترام شان را نگه دار ولی از کسی تبعیت کن که به خدا توجه دارد.

ارزشمند تر کسی هست که بیشتر بنده خداست برای همین امام از همه ارزشمندتر است.

🔲 بچه‌ها را به انجام اعمال شب قدر ملزم نکنیم؟

بچه‌ها را در هیچ پایه‌ای به کاری ملزم نمی‌کنیم. در مستحبات اصلا. برای نماز که واجبشان می‌شود باید از آنها بخواهیم البته آن هم نه با کره و بی میلی. برای مستحبات اصلا آنها را ملزم نمی‌کنیم. اگر بچه‌ها دوست داشتند، مثلا بچه کوچک اصرار می‌کند من می‌خواهم روزه بگیرم یا سحری بخورم، اشکال ندارد. حتی در پایه ششم که در مورد شب قدر و آداب آن با آنها صحبت می‌کنیم، هنر ما این است که آنها برخی از اعمال شب قدر را در صورتی که علاقه مند بودند انجام دهند. حتی برای آنها خواندن جوشن کبیر برای آنها خسته کننده خواهد بود.

اگر خودشان دوست داشته باشند بخوانند، می‌گوییم ۱۰ تا فرازش هم بخوانی ثوابش

را بردی، یا قرآن به سر گرفتن جوری نباشد که آنها را خسته بکند. اگر جایی هستیم که برای هر امام روضه می‌خوانند و قرآن به سر گرفتن را طول می‌دهند می‌توانیم بگوییم که تو می‌توانی بینش قرآن را از سرت برداری، دراز بکشی. بهتر است آنها را در موقعیتی قرار دهیم که این اتفاق‌ها سریعتر انجام شود، خسته نشوند. ملزم و اجبار که اصلا نباید باشد.

✚ انسانهای ارزشمند را چگونه معرفی کنیم؟

انسانهایی هستند که بیشتر به حرف خدا گوش می‌دهند. انسان‌هایی که بیشتر به حرف خدا گوش می‌دهند، بیشتر به درد مردم می‌خورند. بیشتر به درد مردم خوردن را با حرف گوش دادن به خدا باید به آنها معرفی کنیم، نبریم به اینکه مثلاً کسی وسیله‌ای را اختراع کرده.

✚ دلیل تفاوت کارهای روزانه و شبانه چیست؟

دلایل آن خیلی نیاز به بیان برای بچه‌ها نیست. دلیلش این است که روز روشن است و شب تاریک است کارهایشان فرق دارد و اینکه سوره بینه را خواندیم دلیلش این است که خدا گفته است کارهایی که تکاپو و جنبش و به دست آوردن چیزهای مادی هست، مال روز است. کارهایی که مربوط به کسب آمادگی و تجدید قوا و فکر کردن و برنامه ریزی هست مال شب است.

✚ برای پایه ششم چطور این همه مفاهیم را در مورد شب قدر و امام زمان بگوییم؟

این سوره‌ها را که یک دفعه‌ای درس نمی‌دهیم. اگر یک روز می‌خواهیم سوره بگوییم فقط باید یک نکته بگوییم. مثلاً وقتی زمان کوتاه است بگوییم یک شب هست که خیلی ارزشمند است و می‌تواند خیلی در زندگی ما تحول ایجاد کند. در همین حد کافی است ولی ما یک ماه باید با سوره‌ها باشیم. فرض ما این است که مثلاً بچه پایه ششم از پایه چهارم فهم قرآن را شروع کرده، سوره حمد و ناس و ... را تا ماعون خوانده‌اند، در پایه پنجم، سوره‌های

فهم قرآن

قریش و همزه و عصر تا زلزال خوانده‌اند و سوره بینه و قدر را در پایه ششم دارند

می‌خوانند. اگر ما معلم یک زنگ ۴ ساعته هستیم، می‌توانیم برنامه‌هایی به آن‌ها بدهیم که طول هفته شان را پر کند. اگر معلم پایه‌شان هستیم که هر روز وقت داریم که به سوره قدر بپردازیم و آرام آرام با برنامه مناسبی مطالب را بگوییم. یک روز در مورد زمان می‌گوییم. یک روز در مورد ارزش صحبت می‌کنیم. در کتب درسی جاهایی که در مورد شب و روز است به سوره اشاره می‌کنیم، یکروز درمورد امام صحبت می‌کنیم و ... به واسطه ارتباط مستمر با سوره، مفاهیم منتقل می‌شود. حتی اگر یک ساعت سوره به بچه‌ها یاد می‌دهیم، حتما یک فعالیت عملی در رابطه با آن باید بدهیم تا فهم اتفاق بیفتد. خیلی با شکوه است که بچه‌ها یک ماه وقوف در یک سوره داشته باشیم. سوره‌ها این قابلیت را دارند که حتی یکسال با آن‌ها باشیم. یک ماه خوب است که بچه‌ها با سوره دوست شوند و انس بگیرند.

✚ برای اول و دوم خوب است که بگوییم شب قدر فرشته‌ها به امام نازل می‌شوند؟

اول و دوم که درمورد شب قدر صحبت نمی‌کنیم. فرشته هم خدا و کیلی تا می‌شود در مورد آن صحبت نکنید. یک سوال می‌کنم بین خودتان و خدا قضاوت کنید: فرشته چی هست؟ ما خودمان نمی‌دانیم فرشته چیه؟ چرا باید قبل از اینکه بچه درکی از این حقایق غیر مادی پیدا کند، راجع به آن با آن صحبت کنیم تا حتی وقتی بزرگ شدند آن تصاویر اشتباه قبلی به آنها اجازه ندهد که حقیقت یک مطلب را بفهمند. راجع به فرشته با بچه‌ها صحبت نکنید. آنها چیزهای عینی را می‌فهمند. در مورد انتزاعیات با آنها صحبت نکنید. ذهنشان را بهم می‌ریزد. بعدا یک موقع که می‌توانند بفهمند فرشته یعنی چی، دیگر نمی‌فهمند مثل خود ما که نمی‌فهمیم فرشته یعنی چی. ما الان می‌خواهیم با ملائکه ارتباط بگیریم چگونه می‌گیریم؟ ملائکه چی هستند؟ ملائکه خانم‌های بال دارند؟ راجع به فرشته با بچه صحبت نکنید.

✚ فرشته رقیب و عتیب را چگونه به بچه بگوییم؟

فهم قرآن

فرشته رقیب و عتیب را برای چه می خواهند به بچه بگویند. از منظر سوره ق منظورشان

هست یا از این نظر که روی شانه چپ و راستشان می نشینند و ثبت می کنند؟ از قدیم گفتند کار خوبی نکردند که گفتند. این یعنی چه؟ اینها باعث می شود بعدا بچه ها از ارتباط با ملائکه محروم شوند. اینها پرده ای جلوی چشم حقیقت بین بچه ها می کشد، بعدا که بچه ها نیاز به ارتباط برقرار کردن با ملائکه و بهره مندی از امداد آنها پیدا می کنند، تصویرهای قبلی جلوی چشمشان را می گیرد و نمی توانند با ملائکه ارتباط برقرار کنند. اگر هم دیگران به بچه ها گفتند تا می توانید سنبل کنید و بیچانید. نسبتش دهید به چیزهای مادی مثلا بگویید نتیجه کارهایمان باقی می ماند.

انشاءالله خدا توفیق بهره مندی از شب قدر را به ما بدهد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم